

درس ۱۷

۱- ملزوم احترام به دیگران در گفتمان اسلام چگونه تبیین می شود؟ احترام به دیگران، به دلیل منزلت انسانی آنان است. از این رو هتک حرمت افراد با عقاید گوناگون، مادام که با مسلمانان با احترام برخورد کنند و خطری از جانب آنان جامعه اسلامی را تهدید نکند، امری ناپسند است. اما در منابع اسلامی بر احترام به دیگر مؤمنان بسیار تأکید شده است. برادر دانستن مؤمنان با یکدیگر در قرآن کریم به معنای تعریف رابطه میان اهل ایمان در بالاترین تراز ممکن است. این نگاه که مستلزم وجود احترام و مسئولیت هایی، حتی در بالاترین سطح روابط نسبی، همانند رابطه دو برادر است - چگونگی ارتباط آرمانی میان مسلمانان را از منظر اسلام نشان می دهد. در روایات نیز سفارش مؤکدی بر لزوم رعایت احترام و بزرگداشت و اکرام مؤمنان دیگر شده است، تا آنجا که حتی از بیان کلمه "اف" به مؤمن نهی شده و این کوچکترین مصداق بی احترامی، به معنای نفی رابطه دوستی و پیوند عاطفی دانسته شده است. از امام صادق علیه السلام درباره حق مؤمن بر مؤمن دیگر پرسیده شد. ایشان فرمود: «از حق مؤمن بر مؤمن دیگر این است که به او «اف» نگوید؛ چرا که اگر به اف گفت، رابطه دوستی از میان می رود.»

۲- توجه به معنای تحیت و سلام می تواند چه تاثیری در بهبود روابط اجتماعی داشته باشد؟ سلام، رکن اساسی هر ارتباطی است؛ چرا که آغاز کردن یک مواجهه و تعامل اجتماعی با دعا و آرزوی سلامتی از آفات و مشکلات برای طرف مقابل، این پیام روشن را به او می دهد که این ارتباط، برخوردی خصومت آمیز و رنج آور نخواهد بود. آرزوی سلامت نشان دهنده خیر خواهی و اعلام موضعی دوستانه است و چنانچه طرفین این رابطه اجتماعی تا انتهای مواجهه خویش بر این موضع پایبند باشند، می توان امید داشت بسیاری از نزاع ها و اختلافات مجال بروز نیابد. از این رو سلام، سالم ترین بستری است که از طریق آن می توان به رابطه انسانی و عادلانه دست یافت.

۳- چند نمونه از آداب سلام کردن را نام ببرید. افشای سلام و بلند سلام کردن، همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: « کوچکتر بر بزرگتر، و رهگذر بر در مسیر نشسته، و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام کند.»

۴- مصافحه چیست و چرا در اسلام دارای ثواب زیادی است؟ مصافحه قرار دادن کف دست در کف دست دیگری است و از واژه «صُفْح الكف»، یعنی وجه (ظاهر) کف دست، گرفته شده است. مصافحه یکی از آداب ملاقات با دیگر مؤمنان است و در آموزه های دینی مورد تأکید قرار گرفته است. دست دادن با مؤمن، ابزاری برای ادای احترام و ابراز محبت به اوست؛ محبتی که نه از سر سودجویی شخصی یا تمایلات مادی بلکه بر آمده از احترام و ارزش درونی به مقام ایمان و پیوندی است که با اولیای دین و خداوند متعال برقرار کرده است. این «حب فی الله» هر جا بروز کند، محل نزول عنایت و رحمت الهی خواهد بود؛ چرا که محبت به خداوند، در احترام و محبت به دوستان اوست و هر کس که بهره بیشتری از این معنا برده باشد، بیشتر مورد رحمت و عنایت ربوبی واقع خواهد شد.

۵- خوشرویی در لغت و روایت چگونه تعریف شده است و چه تاثیری در روابط اجتماعی میان افراد جامعه دارد؟ آموزه های دینی در باب خوشرویی را در منابع اسلامی می توان با کلید واژه «حُسْنُ الْبِشْرِ» پیگیری کرد. حسن البشر را در لغت به معنای گشاده رویی و طلاق وجه دانسته اند که نقطه مقابل آن، عبوس بودن و چهره در هم کشیدن است. خوشرویی در هنگام مواجهه با دیگران، پیامی است که با زبان بدن به طرف ملاقات داده می شود و نشان دهنده دوستی و عدم وجود کینه و دلخوری است و بستر ایجاد انس و رفع کدورت های احتمالی میان افراد جامعه را مهیا می کند. از این روست که از رسول مهربانی صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که فرمود: «خوشرویی، کینه درونی را از میان می برد».

۶- آسیب خوشرویی را شرح دهید و با بیان مصادیق بگویید چگونه باید به این ادب اخلاقی پایبند بود تا از آسیب های آن در امان ماند؟ خوشرویی در جایی توصیه می شود که حریم عفت و پاکدامنی را مخدوش نسازد، نگاه نامحرمان را متوجه فرد نکند و سبب از بین رفتن قبح معاشرت های حرام نشود. از این رو خوشرویی همواره باید از آسیب های تهدید کننده تقوا و دین داری در امان بماند؛ چرا که بالاترین ارزش برای هر مؤمنی عبودیت و پاکدامنی است و ارزش های اجتماعی در بستر فضائل بندگی طرح و تحلیل می شوند.

درس ۱۸

۱- تکلف را تعریف کنید و بگویید چه چیزی سبب مطلوبیت آن می شود؟ تکلف، وصفی است برای افعالی که همراه با مشقت یا تصنع و یا زیاده روی انجام می شود. تکلف بر دو قسم است: پسندیده و ناپسند. اگر تحمل مشقت و سختی برای آسان شدن فضایل اخلاقی و ایجاد علقه میان انسان ها و کارهای خوب باشد، این تکلف و تحمل رنج، پسندیده و مطلوب خواهد بود. ولی اگر تکلف برای ریا و خود نمایی، و همراه با تصنع و زیاده روی و اسراف باشد و پیامد ارزشمندی به همراه نداشته باشد، مذموم و نامطلوب خواهد بود.

۲- نقش مخرب تکلف نامطلوب در روابط اجتماعی چیست؟ تکلف و به رنج افتادن در ارتباطات اجتماعی، خواه در معاشرت های روزانه باشد، خواه در سفر و خواه هر نوع ارتباط میان انسان ها، یکی از مهم ترین دلایلی است که می تواند انگیزه ارتباط مستمر میان افراد را کم رمق سازد. به وجود آمدن قوانین نانوشته در چگونگی میزبانی و میهمانی و بالا رفتن سطح توقعات و افتادن در ورطه تجملات و زیاده خرجی ها، همگی آفت هایی است که می توان با شناخت مصادیق تکلف و پرهیز از گرفتار شدن در دام آن، از آنها در امان ماند.

۳- آیا همیشه تحمل مشقت نشان دهنده تکریم دیگران است؟ خیر، بلکه به تکلف نیفتادن در رابطه دوستانه، نشانه اکرام است؛ سرّ این سخن این است که بسیاری از تکلفات و مشقت ها بر آمده از توقعات طرف مقابل است و خود خواهی ها و ظاهر نگری ها و رنجیده خاطر شدن از سادگی ها، سبب می شود میزبان، رنج هایی را متحمل گردد. از این توضیح روشن می شود که اگر کسی در میزبانی به تکلف دچار نشد، نشان می دهد که مهمان نزد او کرامت دارد و این، نوعی تکریم محسوب می شود. از این روست که حضرت علی علیه السلام فرمود: «بدترین برادران کسی است که به خاطر او به مشقت افتند». البته هر تلاشی را نباید تکلف دانست و چه بسا روابط محبت آمیزی که از شائبه تکلف ناپسند خالی است.

۴- سرور را در لغت تعریف کنید و از منظر روایات مصادیق آن را بیان کنید. سرور در لغت به معنای فرح و شادی است. ولی نه هرگونه شادی و فرحی؛ شادمانی ای که برآمده از نفع یا لذتی واقعی باشد. از این رو شادی هایی که از لهو و لغو ناشی شده است، مانند آنچه کودکان را خرسند می سازد، سرور نیست؛ گرچه نوعی شادی محسوب می شود. برخی مصادیق ادخال سرور بر مؤمن در روایات بیان شده است که می

توان بر اساس آنها، دیگر موارد را نیز تشخیص داد. امام صادق علیه السلام فرمود: از محبوب ترین اعمال نزد خداوند عزوجل، وارد کردن سرور بر مؤمن است، به اینکه گرسنگی او را به سیری مبدل سازد یا غم او را بر طرف سازد و یا اینکه قرض او را بدهد.

۵- مزاح را تعریف کنید و بگویید آیا در اخلاق اسلامی امری مطلوب است یا نه؟ مزاح که در لغت عرب به آن «دعابه» نیز می گویند، نقطه مقابل جدی بودن، و به معنای خنداندن دیگران و نمکین بودن کلام است. مزاح و خنداندن دیگران به خودی خود امری مذموم نیست. بلکه در روایت امام صادق علیه السلام شوخی کردن از حسن خلق دانسته شده است: «مزاح و خنداندن از حسن خلق است و به درستی که تو با آن برادرت را مسرور می سازی و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که می خواست مردی را شادمان کند، با او شوخی می کرد». همچنین شوخ طبعی از ویژگی های مؤمن شمرده شده است. البته خنداندن و شوخ طبعی، بدون توجه به لغزشگاه های اخلاقی، ممکن است به رفتاری مخاطره آمیز برای سلامت روحی و روانی بیانجامد و تعالی و رشد اخلاقی انسان را متوقف سازد یا در مواردی سبب انحطاط اخلاقی شود.

۶- آسیب های اخلاقی مزاح را تشریح کنید. آسیب های مزاح را در سه ناحیه می توان بیان کرد: ۱- آفت هایی که متوجه محتوای شوخ طبعی است؛ استفاده از جملاتی با مضامین دروغ، غیبت، تهمت، ایذای دیگران و ... ۲- آسیب هایی که از منظر مخاطب مورد توجه است؛ شوخی با نامحرم اگر چه مشتمل بر کلمات ناروا و زشت یا توهین آمیز نباشد، اگر منجر به از بین رفتن پرده حیا و ایجاد علقه و دوستی های نامشروع گردد، از منظر دینی نامطلوب و نکوهیده است. ۳- آسیب هایی که از افراط در مزاح به وجود می آید. از جمله اینکه از وزانت و وقار انسان می کاهد، سبب دریده شدن حریم ها و پرده های احترام می گردد، و به دیگران، برای تعرض به حیطة شخصی، جرئت می بخشد، و آبرو را کاهش می دهد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «از مزاح بر حذر باشید که آن، آبرو و هیبت مردان را می برد».

درس ۱۹

۱- جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را تبیین کنید. یکی از مهمترین واجبات که از اساسی ترین فروع دین است، امر به معروف و نهی از منکر است.. امر به معروف و نهی از منکر، از جمله واجباتی است که

پشتوانه سایر فرائض، و ضامن تحقق واجبات دیگر، به ویژه در بعد اجتماعی است. با توجه به اینکه همه واجبات، ذیل عنوان معروف، و همه محرمات، تحت عنوان منکر قرار می گیرند، امر به معروف به مثابه امر به همه واجبات، و نهی از منکر، نهی از تحقق یافتن همه محرمات است. در برخی روایات، امر به معروف برتر از همه خوبی ها قلمداد شده و همه آنها در برابر امر به معروف، مانند قطره ای در برابر دریا شمرده شده است: «همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره ای است در دریای عمیق». از وجوه دیگر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، خلیفه الهی قلمداد شدن امر به معروف و ناهی از منکر در برخی روایات است: «هرکس امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا در زمین، و جانشین رسول اوست». در برخی احادیث، امر به معروف و نهی از منکر، زمینه ساز دستیابی به مقامی معرفی شده است که در روز قیامت، دیگران به آن غبطه می خورند؛ گرچه آمران به معروف و ناهیان از منکر نه جزو انبیا هستند و نه شهدا. «آیا می خواهید خبر دهم به گروهی که نه پیامبرند و نه شهید؛ ولی مردم در روز قیامت به مقامی که خداوند به سبب امر به معروف و نهی از منکر به آنان عطا فرموده، غبطه می خورند. در روایتی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، دو شعبه از چهار شاخه جهاد در راه خدا بر شمرده شده است: «جهاد بر چهار قسم است: ۱- امر به معروف؛ ۲- نهی از منکر؛ ۳- راستی در هر حال؛ ۴- دشمنی با فاسقان». همچنین از مهمترین اهداف قیام امام حسین علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر بوده است، افزون بر این، حضرت علی علیه السلام از مهمترین دلایل پذیرش حکومت را، اجرای امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده است.

۲- آثار امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ ۱- تقویت مؤمنان و جلوگیری از عملی شدن توطئه منافقان
۲- رسیدن به پاداش الهی و مشارکت در ثواب دیگران ۳- ضمانت سلامت دنیا و آخرت ۴- دستیابی به عزت.

۳- دو نمونه از پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر را بگویید. از پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر، تسلط اشرار بر جامعه اسلامی و مؤمنان، مستجاب نشدن دعای افراد آن جامعه، حتی دعای خوبان آن است- از بین رفتن خیر و برکت از میان مؤمنان و تسلط برخی بر برخی دیگر و نبود هیچ گونه یار و یاور زمینی و آسمانی برای آنها- دچار شدن نیکوکاران جامعه به عذاب الهی- در روایتی، ترک امر به معروف و رها کردن آن و احاله به همدیگر، به منزله اعلان جنگ با خداوند قلمداد شده است.

۴- برای اجرای صحیح و بهتر امر به معروف و نهی از منکر، چه راهکارهایی می تواند مؤثر باشد؟ برای اجرای صحیح و تأثیر گذار امر به معروف و نهی از منکر، توجه به نکات و ظرائف اخلاقی در هنگام اجرای این فریضه، اهمیت ویژه ای دارد. ارزش هایی چون خیر خواهی، تواضع، حلم، نرمخویی، و خوشرویی، در تأثیر بیشتر امر به معروف نقشی ویژه دارند.

۵- با مراجعه به کتاب ده گفتار استاد مطهری، بخش امر به معروف، بگویید ایشان برای مقابله با گناه «غیبت» در جامعه، چه راهکاری را پیشنهاد کرده اند؟ (برای مطالعه) از نظر شهید مطهری، باید چاره عملی کرد و در مبارزه با منکرات، منطق و تدبیر را دخالت داد، باید دید چه طرز عملی مردم را نسبت به فلان کار نیک تشویق می کند و مردم را از فلان عمل زشت باز می دارد، ما تاکنون هر چه خواسته ایم جلو این عمل را بگیریم از راه موعظه و زبان بوده، در فکر چاره عملی و تدبیر منطقی نبوده ایم، قهرا بلا اثر مانده.

درس ۲۰

۱- اصلاح را تعریف کنید و بگویید آیا اصلاحگری تنها منحصر به رفع اختلافات میان مردم است؟ بر گرداندن اوضاع به آنچه مقتضای حکمت و عقل است، اصلاح نام دارد. خیر، اصلاح بین مردم، گرچه بیشتر ناظر به رفع اختلافات و از بین بردن کینه ها و انگیزه تقابل میان افراد جامعه است، ولی با توجه به معنای لغوی آن و تقابل مفهومی اش با فساد، می توان هر اصلاح اجتماعی و مقابله با آسیب های تهدید کننده جامعه را از مصادیق اصلاح میان مردم برشمرد؛ از این رو تلاش برای رفع مفسدات اجتماعی و سامان دادن به مناسبات جمعی و احقاق حقوق عمومی مردم و مبارزه با تبعیض و ظلم در جامعه همگی می توانند از مصادیق اصلاح میان مردم به شمار آیند.

۲- اصلاح میان مردم در قرآن بر چه پایه ای استوار است؟ منطق قرآن بر اخوت میان مؤمنان استوار است. بر همین مبنا، اختلاف و نزاع میان برادران شایسته نیست و موجب می شود مسئولیت سازش دادن بر دوش دیگر مؤمنان بیاید. این وظیفه بزرگ آن چنان اهمیت دارد که برای ترغیب به انجام دادن آن، بلافاصله پس از ذکر آن، توصیه به تقوای الهی برای نیل به رحمت خداوند آمده است. مصلحت اصلاح میان افراد به قدری ارزشمند است که برخی از احکام الهی با آن تقیید می خورد؛ مثلاً از نجوا کردن و درگوشی سخن

گفتن نهی شده است، ولی در جایی که این نجوا به منظور اصلاح میان مردم باشد، نه تنها استثنا شده، بلکه خداوند برای آن پاداش عظیمی نیز وعده داده است.

۳- چرا اصلاح میان مردم با تحقق اهداف اسلام پیوند خورده است؟ مهم ترین اثر اصلاح میان مردم و اصلاح گری اجتماعی، دور ماندن جامعه ایمانی از آفت تفرقه و تشتت است. به هر میزان که ارتباط میان افراد جامعه کم رنگ تر شود، امکان اقامه حق در آن جامعه و پیشبرد اهداف جمعی مورد نظر اسلام با سستی بیشتری رو برو خواهد شد. همه ارکان جامعه از کوچکترین هسته، یعنی خانواده، تا کلان ترین آن یعنی امت اسلامی، وظایف تعیین شده ای دارند که در صورت بروز اختلاف و تشتت، اهداف الهی مبتنی بر اجتماع، تحقق نخواهد یافت. از این رو بی تردید دوری جامعه اسلامی از اتحاد، به خروج آن جامعه از راه خدا و شکست در نیل به اهدافش منجر خواهد شد.

۴- ملاک شناسایی اصلاح از افساد در منطق قرآن چیست؟ ملاک و مبنایی که بر اساس آن بتوان از پراکندگی و تفرقه در میان جامعه اسلامی جلوگیری کرد و اصلاحگری را از فساد باز شناخت، مبنا قرار دادن اوامر الهی و لحاظ کردن شرع مقدس برای قضاوت عادلانه میان مردم است. در آیه ۹ سوره حجرات، لزوم بازگشت همگان به امر الهی به صراحت بیان شده است. باید این معیار، برای هر گونه میانجیگری بین افراد و اصلاح اجتماعی، به عنوان اصلی تغییر ناپذیر مورد توجه قرار بگیرد؛ چرا که در نظر نگرفتن این موضوع، به دوری از عدالت و عدم رعایت قسط و بی طرفی در امر اصلاح میان مردم منجر خواهد شد و خود سبب بروز اختلاف و رواج تبعیض و ناعدالتی است. به همین دلیل در قرآن کریم تنها اصلاح و سازش دادن مورد توجه نیست؛ بلکه به وجود آوردن صلح و همزیستی مسالمت آمیزی مورد توصیه است که بر اساس عدل باشد.

۵- راهکار ایجاد روحیه اصلاحگر بودن در انسان را شرح دهید. قدم اول برای ایجاد این روحیه در روان انسان، ترک تصمیم قطعی برای دخالت نکردن در مواردی است که می تواند به اصلاح میان مردم بیانجامد. بلکه به عکس، با توجه به ارزش و پاداشی که این اقدام به دنبال خواهد داشت، چنان کسی که در پی سودی کلان است، آن را غنیمت بشمارد و در پی تحقق آن باشد. توجه به مفهوم اخوت میان مؤمنان و التزام به خیر خواهی و دستگیری دیگران در همه عرصه های زندگی و دلسوزی و هم ذات پنداری و مهربانی و پایبند بودن به آنها در مقام عمل، از عناصر رفتاری است که سبب ایجاد و تقویت انگیزه برای

اصلاحگری اجتماعی، و نیز رفع اختلافات میان افراد خواهد شد. این روحیه همواره مستلزم نوعی دور اندیشی و اطلاع از مشکلات دیگران است. مؤمن باید درد دیگران را درد خود بداند. جامعه را نه ابزار رسیدن به منافع شخصی، بلکه مجموعه ای ارزشمند از انسان ها بداند که هریک از آنها می تواند در بستر اتحاد و همبستگی و در پرتو دریافت تعالیم مفید، به سعادت برسد و خود را از آنها و آنها را از خود ببیند.

۶- به نظر شما برای اصلاح بین دوستان، همسایگان، فامیل و زن و شوهر، چه تشکل های رسمی یا مردمی نیاز است؟ متصدیان مساجد در این باره چه نقشی می توانند ایفا کنند؟

۷- برای اصلاح بین زن و شوهر، پدر و مادر و بستگان آنها چه نقشی می توانند داشته باشند؟ (در پاسخ دادن از آیه ۳۵ سوره نساء نیز استفاده کنید). قرآن کریم در تعبیری در خور تأمل به مؤمنان فرمان می دهد چنانچه با دور اندیشی خود دریافتند که ممکن است بنیان خانواده ای از هم بپاشد و شقاق و اختلاف میان زوج و زوجه به وجود آید، به تشکیل هیئت حل اختلاف، متشکل از دو نفر حَكَم مورد پذیرش از خانواده دو طرف، اقدام کنند. در حقیقت این راهکار، که مستلزم حرکت جمعی بستگان زن و مرد است، به ترس از به وجود آمدن جدایی و اختلاف منوط شده است که نشان دهنده ارتباطی وثیق میان افراد فامیل و اطلاع از اوضاع زندگی دیگران است. «وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا» (نساء ۳۵). و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو {همسر} بیم داشته باشید، یکی داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید {تا به کار آنان رسیدگی کنند}. اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است.

درس ۲۱

۱- امانت و امانت داری را تعریف کنید و نسبت آن را با وفای به عهد بیان نمایید. به هر چیزی که نزد دیگری می گذارند تا در امان و محفوظ باشد، امانت می گویند. مفهوم امانت داری برای بیان مسئولیت پذیرنده امانت شکل گرفته است؛ مسئولیتی که بر آمده از تعهدی است که در قبال یک اعتماد شکل گرفته است و هر گونه رفتار منافی با امانت داری، نقض عهد خواهد بود و خیانت هم چیزی جز از بین بردن حق

با نقض عهد نیست. پس امانت داری نوعی وفای به عهد است که سبب می شود، شخص امانت دار نسبت به چیزی که نزد او امانت است، احساس مسئولیت کند.

۲- جایگاه امانت داری را در اسلام شرح دهید. شرع مقدس مراعات کردن امانت را صفت مؤمنین معرفی کرده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون/ آیه ۸) «و آنها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند». همچنین دستور داده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء/ آیه ۵۸) «خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهلش بسپارید».

۳- امانت داری در مورد چه کسانی باید صورت گیرد؟ امانت داری با شخصیت فرد امانت گذار پیوند ندارد. اگر انسان با هر کسی عهد امانت داری بست، خواه فردی مؤمن باشد یا کافر، بدکار باشد یا نیکوکار، باید به مسئولیتی که پذیرفته است، پایبند بماند؛ همان طور که امام صادق علیه السلام می فرمود: از خدا پروا کنید و بر شما باد برگرداندن امانت به کسانی که شما بر آن امین دانسته اند {نیکوکار باشند یا بدکار}. اگر قاتل امیر مؤمنان علیه السلام مرا بر امانتی امین بگیرد، قطعاً {آن امانت را} به او باز خواهم گرداند. آن حضرت همچنین فرمود: «امانت را به صاحبش پس دهید، هر چند امانت گذارنده، قاتل امام حسین علیه السلام باشد».

۴- چرا امانت داری و وفای به عهد به تقویت ایمان می انجامد؟ ادای امانت، مستلزم حفظ و صیانت از آن، و نیز عدم خیانت است و عمل به این مسئولیت، آثار پسندیده ای در تقویت روحیه تعهد به دارایی های دیگران در سطح فرد و جامعه بر جای می گذارد. این ویژگی ارزشمند که گونه ای از ریاضت های شرعی است، سبب تثبیت ایمان می شود.

۵- چرا در روایات، خیانت با نفاق مقایسه شده است؟ زیرا نفاق، ظاهر را غیر از باطن نشان دادن است و کسی هم که در امانت خیانت می کند، ظاهرش را امین نشان داده؛ ولی در باطن با حقی (ادای امانت) که برای حفظش متعهد شده است، مخالفت می کند.

۶- وفای به عهد را تعریف کنید و جایگاه آن را در رشد و تعالی انسان تبیین کنید. وفای به عهد، حفظ پیمان و میثاق، با عمل به اقتضائات آن عهد است. وفای به عهد و پایبندی به پیمان، اساس حرکت آدمی در مسیر رشد و تعالی است. ابتدایی ترین پیمان هر انسان، عهدی است که بین او و خالقش برقرار شده است. عمل به پیمان بندگی را می توان اساس رشد اخلاق بندگی دانست. در بعد اجتماعی نیز هر حرکت جمعی

و نیز تحقق زیست مسالمت آمیز میان انسان ها تنها بر اساس میثاق های جمعی و تعهدات بین فردی و وفاداری به آن امکان پذیر است. پیمان و عهد تنها شامل قراردادهای رسمی نیست. بلکه هر التزام درونی و وعده ای که فردی به دیگری می دهد، در دایره حکم اخلاقی وفای به عهد قرار می گیرد.

۷- چه موانعی برای ایجاد و رشد روحیه وفای به عهد در انسان می توان متصور بود؟ راهکار مبارزه با آنها و تقویت روحیه وفای به عهد چیست؟ موانع ایجاد و رشد وفای به عهد: پیروی از هوای نفس، غلبه روحیه منفعت طلبی و مستولی شدن تنبلی، سستی و آسوده طلبی بر وجود آدمی است. تقویت روحیه وفای به عهد و امانت داری، معلول مبارزه با هوای نفس و آسوده طلبی است. از این رو انسان باید با درک اینکه نقض عهد و پیمان و ترک امانت داری به معنای فرو غلتیدن در وادی هوای نفس و انحطاط اخلاقی است و نیز سبب بد نامی و انقطاع او از جامعه خواهد شد، در مبارزه با منفعت طلبی و هوای نفس، کمر همت ببندد و در همه عرصه های زندگی، به جای توجه به منافع خود، در فکر و رفتار، به دنبال خیر خواهی و تأمین منافع دیگران باشد. مداومت بر این فکر و عمل، چنانچه با همنشینی با اهل وفا و ایمان همراه گردد، نتایج در خور توجهی در مورد ایجاد و تقویت روحیه وفاداری به عهد و امانت داری بر جای خواهد گذاشت.

۸- نمونه هایی از لزوم وفای به عهد و امانت داری را از زندگی خانوادگی و اجتماعی خود بنویسید.

درس ۲۲

* با توجه به اینکه بیشتر سوالات این درس خارج از کتاب هستند در پایان سوالات، یک سوال به سوالات این درس اضافه شده است.

۱- وجه اشتراک دو مفهوم تهمت و دروغ و وجه افتراق آنها چیست؟ (برای مطالعه) وجه اشتراک دروغ و تهمت این است که هر دو سخن خلاف حقیقت هستند. وجه افتراق تهمت و دروغ؛ نسبت بین دروغ و تهمت نسبت عموم و خصوص مطلق است، دروغ هر سخنی است که بر خلاف واقع باشد ولی تهمت آن است که این سخن خلاف، در بردارنده نسبت ناروایی به کسی باشد. تهمت در حقیقت نوعی دروغ است با این تفاوت که دروغ ممکن است نسبت به خود و یا دیگری باشد و در آن مدح و ستایش نیز وجود داشته باشد ولی تهمت، دروغی فساد انگیز است که همواره نسبت به دیگری انجام می شود.

۲- آیا ذکر عیب های آشکار فرد، مثل پرخوری و چاقی، مصداق غیبت شمرده می شود؟ (برای مطالعه) خیر زیرا یکی از قیود تحقق غیبت این است که جنبه کشف سرّ و افشاگری داشته باشد. بنابراین بازگو کردن عیب ها و گناهان آشکار غیبت نیست و گناه غیبت بر آن بار نمی شود، هر چند ممکن است از لحاظ توهین و تحقیر یا اشاعه فحشا ممنوع و حرام باشد.

۳- آیا ذکر خوبی های یک فرد که به آشکار شدن آنها راضی نیست، غیبت شمرده می شود؟ (برای مطالعه) ذکر محاسن اشخاص به عنوان تعریف و تمجید آنها غیبت نیست، هر چند آنها از افشای محاسن خود ناراحت شوند. ولی در صورتی که افشای محاسن موجب اذیت و آزار شخص شود کار خوبی نیست و به عنوان ایذاء برادر مؤمن برای خود حکم جداگانه ای دارد.

۴- بیان قرآن کریم درباره غیبت را تبیین کنید. غیبت از گناهانی است که در قرآن کریم به صراحت از آن نهی شده است. خداوند متعال پس از نهی از بدگمانی و تجسس می فرماید؛ «لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (حجرات ۱۲) «برخی از شما از برخی دیگر غیبت نکنند. آیا یکی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ پس آن را ناخوش دارید. در این آیه کریمه حقیقت و تجسس غیبت بیان شده که همان خوردن گوشت برادر مرده است؛ چون غیبت شونده در هنگام حمله غیبت کننده حضور ندارد تا از خود دفاع کند؛ مانند مرده ای که توان دفاع از خود را ندارد.

۵- با مراجعه به کتب فقهی، اخلاقی و حدیثی بررسی کنید که اسلام در چه مواردی گفتن دروغ و غیبت را جایز شمرده است؟ (برای مطالعه) نکته ای که باید در موارد استثناء غیبت در نظر داشت این است که در صورتی می توان غیبت را تجویز کرد که به طور قطع مصلحت لازم و اهم در میان باشد که برای حفظ آن ناگزیر از غیبت باشیم. پس اگر کسی تحت تأثیر وسوسه های شیطانی و به بهانه اینکه فلانی جایز الغیبه است یا فلان مورد از موارد استثناء است مرتکب غیبت بشود بی تردید گناهکار است و این گونه بهانه ها نمی تواند مجوز غیبت باشد، مگر آنکه انسان با حزم و احتیاط و با کمال واقع بینی و انصاف موارد را از یکدیگر تفکیک کرده و نسبت به موارد حلال و حرام کاملاً آگاهی داشته باشد. برخی از موارد استثناء غیبت؛ دادخواهی - کمک خواستن برای جلوگیری از منکرات - استفتاء - لقب مشهور - غیبت جهت هشدار - غیبت در مقام مشورت - غیبت بدعت گذار - غیبت متجاهر به فسق. و نکته ای که باید در موارد تجویز دروغ مد نظر داشت این است که دروغ از کارهای زشت و ناپسند و عادت به آن از رذائل اخلاق و گناهان کبیره

است و تا ضرورت و مصلحت مهمی در میان نباشد دروغ گفتن جایز نیست. موارد تجویز دروغ؛ مقام ضرورت و ناچاری- اصلاح میان مردم- خدعه و نیرنگ در جنگ- وعده به خانواده و همسر. (برای توضیح این موارد به کتب اخلاقی مراجعه نمایید).

6- با مراجعه به روایات سکوت و حفظ زبان، به طور مستدل بیان کنید که آیا اسلام برای سکوت ارزش بیشتری قائل است یا سخن گفتن؟ (برای مطالعه) امام علی علیه السلام می فرماید: «لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْكُفْمِ، كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ». در خاموشی از سخن حکیمانه خیری نیست، چنانکه در گفتار جاهلانه خیری وجود ندارد. طبق فرموده حضرت آنجا که انسان، حکیمانه و عاقلانه سخن بگوید، فضیلت است و ترک آن رذیلت. و آنجا که انسان جاهلانه و نابخردانه سخن بگوید، رذیلت است و ترک آن فضیلت. روایات زیادی در مدح سکوت وارد شده است به طور مثال حضرت رضا علیه السلام فرمود: از خدا پرهیزید و سکوت اختیار کنید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: هر که سکوت کند نجات یابد. همچنین فرمودند سکوت حکمت است اما کمتر کسی آن را بکار می بندد.

اما از سوی دیگر نیز خداوند، زبان را نعمتی بزرگ برای بشر برشمرده است که با آن قدرت بیان آدمی تحقق می یابد و زمینه برای خلافت و ربوبیت آدمی فراهم می گردد. همین ارزش زبان است که آن را در جایگاه رفیعی نشانده است و امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «زبان وسیله سنجش انسان است» به این معنا که اگر بخواهیم ارزش انسانی را بسنجیم می بایست به سخنان وی توجه یابیم، زیرا سخنان وی نشان می دهد که از نظر شخصیت تا چه اندازه در مسیر کمالی رشد داشته و در کدام مقام عالی انسانی نشسته است.

از جمله از امام سجاد علی بن الحسین (علیه السلام) سؤال شد که سخن گفتن افضل است یا سکوت فرمود: فرمود هر یک از سخن گفتن و سکوت آفات و زیان هائی دارد اگر طوری باشد که از آفت و زیان سالم باشد البته گفتن بهتر از سکوت است عرض کردند ای پسر رسول خدا چگونه است (که سخن گفتن افضل باشد)؟ فرمود بدلیل اینکه خداوند متعال انبیاء، و اوصیاء را برای سکوت و خاموش بودن مبعوث نفرموده است بلکه برای حرف زدن و ابلاغ مطالب و حقایق فرستاده است. استحقاق بهشت بوسیله کلام و سخن (عبادت) است که بدست می آید نه از راه سکوت. و همچنین ولایت الهی از راه سخن تثبیت و تحقق می یابد نه بوسیله سکوت و از راه سکوت نیست که انسان از آتش دوزخ مصون می ماند همه این فوائد از اثر کلام و سخن است من هرگز ماه را با خورشید برابر نمیدانم حتی اگر بخواهیم ارزش و فضیلت سکوت و خاموشی را توصیف کنیم باید از راه کلام و سخن گفتن باشد ولی فضیلت و ارزش کلام را نمیتوانیم بوسیله سکوت بیان کنیم. در حدیث دیگری از امام صادق از پدرانش از امیرمؤمنان علی (علیهم السلام)

چنین آمده است: «تمام نیکی ها در سه خصلت جمع شده است: نگاه کردن و سکوت و سخن گفتن. هر نگاهی که در آن عبرت نباشد سهو و بیهوده است و هر سکوتی که در آن فکر نباشد غفلت و بی خبری است و هر کلامی که در آن یاد خدا نباشد لغو است». و در پایان اضافه فرمود: «خوشا به حال کسانی که نگاهشان عبرت، سکوتشان فکر و کلامشان ذکر باشد».

نتیجه این که سکوت و کلام نیز مانند سایر اعمال انسان هستند که اگر در حد اعتدال و شرایط لازم باشند فضیلت و اگر خارج از این حد گردند رذیلت و این با تفاوت اشخاص و مجالس و مطالب و موضوعات متفاوت است و هر کس می تواند با دقت فضیلت را از رذیلت در اینجا دریابد، به یقین سکوت از امر به معروف و نهی از منکر و از حکم به حق و از شهادت عادلانه و از اندرز و نصیحت های مخلصانه و از مشورت خردمندان جزه رذایل و یا از گناهان کبیره است، ولی سخن گفتن به دروغ، غیبت، تهمت، اهانت، امر به منکر و نهی از معروف، شهادت به باطل و فضول کلام (سخنان بیجا و بی معنا) جزء رذایل اخلاقی یا از گناهان کبیره به شمار می آید.

۷- با مراجعه به نرم افزارهای علوم اسلامی (یا کتب حدیثی و اخلاقی) و جستجوی کلید واژه های مربوط به «صدق» و «کذب» یا کلید واژه های مربوط به «غیبت»، روایات مربوط را در یکی از این سه موضوع استخراج کنید و در قالب مقاله مباحثی مانند مفهوم شناسی، اقسام و مراتب صدق و کذب یا غیبت، آثار و پیامدهای صدق و کذب، راهکارهای دوری از کذب و اتصاف به صدق، موارد استثنای حرمت کذب یا غیبت، صغیره یا کبیره بودن کذب یا غیبت و مباحث دیگر را از این دست عرضه کنید.

۸- مفهوم «غیبت» و تفاوت آن را با «تهمت»، با استفاده از روایت امام صادق علیه السلام تبیین کنید. امام صادق علیه السلام در تشریح معنای غیبت و تهمت فرمود: «الغیبه ان تقول فی آخیک ما ستره الله علیه و اما الامر الظاهر فیهِ مثل الجده و العجله فلا و البهتان ان تقول فیهِ ما لیس فیهِ». «غیبت آن است که در مورد برادرت آنچه را خداوند در حقش پرده پوشی کرده، [برای دیگران] بگویی، ولی [گفتن] امر آشکار در او، مثل تند خویی و عجله، غیبت نیست، و بهتان نیز آن است که درباره او چیزی بگویی که در او نیست».

درس ۲۳

۱- مراد از حفظ زبان، که در متون دینی آمده، چیست؟ رویکرد کلی اسلام، در مقابله با آفات زبان، تأکید بر حفظ زبان و سکوت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «نجات مؤمن در حفظ زبانش است». بسیاری از مردم می پندارند که حرف زدن آنها در پرونده اعمالشان ثبت و ضبط نمی شود و عمل

آن است که با غیر زبان انجام شود. این پندار ناروا آنان را می فریبد تا هر چه می خواهند، بی پروا به زبان آورند، در حالی که قرآن کریم درباره انسان می فرماید: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق / ۱۸) «هیچ سخنی را به زبان نمی آورد، مگر اینکه مراقبی نزدش آماده است». در روایات متعددی نیز به سکوت توصیه شده که در برابر پرگویی و گناهان زبانی است. اما امر به سکوت، مطلق و نسبت به هر سخنی نیست. بلکه مراد از آن، سکوت در برابر کارکردهای منفی زبان همچون غیبت، دروغ و پرگویی است.

۲- پیامدهای دروغگویی از منظر اسلام چیست؟ - دروغ گویی سبب سست شدن و نابودی ایمان می شود. امام باقر علیه السلام فرمود: «دروغگویی، ویرانی ایمان است». - دروغگویی، افزون بر همه زشتی و زیان هایی که دارد، زمینه ساز سقوط انسان در ورطه بسیاری از گناهان دیگر نیز هست. امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند عزوجل برای بدی قفل هایی قرار داد و شراب را کلید آنها قرار داد و دروغ از شراب بدتر است. - دروغگویی انسان را از اعتبار می اندازد. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که به دروغ شناخته شود، اعتماد به او کم می شود».

۳- بیان قرآن کریم را درباره غیبت تبیین کنید. (این سوال تکراری است)

۴- علت توجه افراطی برخی به عیوب دیگران چیست؟ (برای مطالعه) علت آن نوعی کنجکاوی است که تحت عنوان تجسس در امور دیگران مطرح است و وقتی فرد عیوب خود را فراموش می کند به عیوب دیگران می پردازد و گاهی برای پوشاندن عیوب خود عیوب دیگران را بزرگ می کند. ریشه عیبجویی از دیدگاه علم اخلاق می تواند موارد زیر باشد: عیبجویی نتیجه عداوت و حسد است به این معنا که اگر کسی کینه و دشمنی دیگری را در دل داشته باشد به دنبال عیوب او می افتد تا او را رسوا سازد. گاهی شخص بدون این که کینه و حسد نسبت به دیگران داشته باشد دنبال لغزش ها و عیوب آنها می افتد، به جهت نوعی پستی و زبونی که از آشکار شدن زشتی ها و عیوب دیگران، شاد می شود. بدگمانی، عامل دیگری بر عیب جویی و بدگویی است. کسی که به دیگری بدبین است آرام نمی گیرد بلکه در مقام تجسس برمی آید تا شواهدی بر بدگمانی خود پیدا کند و بدین وسیله امنیت دیگران را به خطر می اندازد. تجسس در عین آن که از سوءظن سرچشمه می گیرد، سبب تشدید سوءظن می شود. در احادیث شیعه و اهل سنت، تجسس و تفتیش در امور خصوصی و پنهانی مؤمن، سخت نکوهش شده است.

۵- انسان در برخورد با عیوب دیگران باید چه رویکردهایی را اتخاذ کند؟ (الف) پوشاندن عیوب پنهان: نخستین وظیفه ما در برخورد با عیوب پنهان دیگران، رازداری و افشا نکردن آنهاست. امام باقر علیه السلام فرمود: «حق مؤمن بر مؤمن است که هفتاد [گناه] کبیره را بر او بپوشاند. (ب) توجه به عیوب خود و تلاش در رفع آنها: امام سجاد علیه السلام فرمود: «اگر فرد به عیب خودش پردازد، برای او بس است که از عیوب

مردم بازماند». انسان باید دائماً به این نکته توجه کند که عیب و نقص کم و بیش در همه انسان ها - غیر از معصومان - هست و همه باید در راه تکامل و اصلاح باشند. بنابراین نباید ذره بین بر عیب های دیگران بیندازیم و مردم را نقص مطلق، و خود را کمال مطلق بپنداریم. (ج) اتخاذ تدابیر اصلاحی به جای تخریبی: اگر در دیگران عیوبی مانند ترک واجب و انجام دادن حرام یا عیوب اخلاقی دیدیم، باید به بهترین شیوه در صدد اصلاح آن برآییم و به تعبیر برخی روایات، آن عیب را به آنان هدیه بدهیم و آنان را پنهانی ارشاد و نصیحت کنیم تا اگر زمینه اصلاح و هدایت در آنها هست، اصلاح شوند.

۶- اهمیت رازداری را با استفاده از مضمون دو روایت به اختصار تبیین نمایید. (برای مطالعه) رازداری یکی از فضایل اخلاقی است که در روابط اجتماعی باعث ایجاد اعتماد و اطمینان و حسن نیت دیگران نسبت به ما می شود. اسلام بر حفظ اسرار تأکید دارد زیرا این امر تمرینی است برای حفظ آبروی خویش و پاسداری از رازهایی که دیگران نزد شخص به امانت گذاشته اند.

۷- شماتت به چه معناست و توصیه اسلام در این باره چیست؟ شماتت به معنای شاد شدن از مصیبتی است که به دشمن می رسد و در زبان فارسی از آن به «دشمن شاد شدن» یاد می شود. توصیه اسلام در این باره: شماتت اگر نسبت به کفار معاند و دشمنان دین باشد، نه تنها ناپسند نیست، بلکه چه بسا پسندیده است؛ ولی اگر نسبت به برادران مؤمن باشد بسیار ناپسند است و عواقب بدی برای شماتت کننده دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «شماتت را برای برادرت آشکار مکن که در این صورت خداوند رحمتش را شامل حال او می کند و آن مصیبت را به سویت می گرداند». عکس العمل انسان نسبت به مصیبت های برادران ایمانی، باید دلسوزی و همدردی باشد و در هنگام مصائب به ایشان تسلیت بگویند و خود را همدرد آنان بدانند، تا مصیبت بر آنها آسان شود.

۸- رابطه سرزنش کردن و امر به معروف و نهی از منکر را توضیح دهید. تفاوت های فراوانی میان فریضه امر به معروف و نهی از منکر با صفت ناپسند سرزنش کردن وجود دارد. ناهی از منکر، مصلح است و در راستای اصلاح فرد و جامعه به مبارزه با منکر برمی خیزد ولی سرزنش کننده با نیت تخریب، به سرزنش می پردازد. ناهی از منکر خیر خواه و دلسوز فرد خاطی است، در حالی که سرزنش کننده، از روی حقد و کینه چنین می کند. ناهی از منکر با موعظه حسنه و زبان خوش، تلاش می کند افراد را به خوبی ها دعوت کند، ولی سرزنش کننده با لحن گزنده، نه تنها افراد را به سوی خوبی نمی کشاند بلکه به کینه توزی و لجبازی نیز وادار می کند. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر فریضه ای الهی است که انسان جهت

بازداشتن از منکرات با نیت الهی و بر اساس مراتب و تکالیف شرعی از سوی دین انجام می‌دهد و این فریضه با سرزنش کردن افراد تفاوت ریشه‌ای دارد.

۹- لعن به چه معناست و چه کسانی را می‌توان لعن کرد؟ لعن کردن، نوعی دعا، یا به تعبیری نفرین، بر دیگری است تا خداوند در دنیا رحمت و توفیقش را از او بردارد و در آخرت عذاب خود را نصیبش کند. لعنت کردن کفار معاند و منافقان و دشمنان اهل بیت علیه السلام که مستحق آن هستند، عملی حق است.

۱۰- با مراجعه به کتب حدیث و اخلاق (همچون جلد دوم اصول کافی، مکارم الاخلاق، محجبه البیضاء و جامع السعادات) درباره یکی از آفات زبان، مثل تهمت که در متن درس، مطالب چندانی درباره آن نیامده است، دست کم در حد دو صفحه تحقیق کنید.

درس ۲۴

۱- پیامدهای عیب جویی را توضیح دهید. کسی که در پی عیب جویی و رسوا کردن مردم باشد، خداوند از طریق آشکار کردن عیوب پنهانش، وی را رسوا می‌سازد. عیب جویی نشانه نفاق و مانع رسوخ ایمان در دل است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هیچ انسانی در برابر دیدگان مؤمنی به او طعنه نمی‌زند؛ مگر اینکه به بدترین نوع، می‌میرد و سزاوار است که به خوبی برنگردد». طعنه در اصل به معنای سرنیزه است و وارد کردن عیب بر کسی را طعنه نامیده‌اند؛ چرا که طاعن با این کار خود، ضربه‌ای بر حیثیت و آبروی آن شخص می‌زند.

۲- انسان در برخورد با عیوب دیگران باید چه رویکردی را اتخاذ کند؟ (این سوال تکراری است)

۳- جدال و مرء را تعریف، و پیامدهای آنها را بیان کنید. جدال- و نیز مجادله، به معنای گفت و گو به شیوه ستیزه جویی و غالب شدن است. مرا نوعی جدال است. برخی از اهل لغت در تعریف آن گفته‌اند: «مرا این است که به انگیزه تحقیر کسی در کلام او عیب وارد کنیم تا خلل آن آشکار شود». بنابراین بر خلاف جدال، مرا همواره بار ضد ارزشی دارد. پیامدهای جدال و مرء: جدال و مخاصمه بیهوده، ثمره‌ای جز دل مشغولی و به هم خوردن تمرکز و آرامش روحی و فکری، نفاق و دورنگی و خصومت و دشمنی

برای هر دو طرف ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «شما را از خصومت (جدال) بر حذر می دارم که دل را مشغول می سازد و نفاق و دورویی را سبب می شود و کینه ها را به دست می آورد».

۴- زیاده گویی به عنوان یکی از آفتهای زبان را توضیح دهید. یکی از آفات زبان، زیاده گویی و پر حرفی است. قرآن کریم یکی از اوصاف مؤمنان رستگار را رویگردانی آنان از لغو، یعنی سخنان بیهوده، می داند و آنان را چنین می ستاید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ الْغَوِّ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون/۳) «وکسانی که از لغو رو گردانند». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خوشا به حال کسی که زیادی مالش را ببخشد و زیادی سخنش را نگه دارد». پر گویی، زمینه ساز بروز خطاهای فراوان از انسان می شود و کثرت خطاها نیز بستر ساز سنگدلی و ارتکاب انواع گناهان است. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که کلامش بسیار شود، خطایش بسیار می شود و کسی که خطایش بسیار شود، حیایش کم می شود و کسی که حیایش کم شود، ورعش کم می شود و کسی که ورعش کم شود، دلش می میرد و کسی که دلش بمیرد، داخل آتش می شود... و کسی که بداند کلامش جزئی از عملش است، کلام بی معنایش کم می شود». همچنین آن حضرت فرمودند: «آنچه را نمی دانی نگو؛ بلکه هر چه می دانی، نگو. پس همانا خداوند سبحان بر همه اعضای تو فرائضی را واجب کرده است که در روز قیامت با آنها بر تو احتجاج می کند». (بیان یکی از احادیث امیر المؤمنین علیه السلام کافی است)

۵- برای مفاهیم جدال و عیب جویی از موارد رایج در جامعه مثال هایی بیان کرده و راهکار دوری از آن را توضیح دهید.

درس ۲۵

۱- جایگاه و اهمیت میهمانی را با استفاده از دو نمونه روایت بیان کنید. به فرموده امام صادق علیه السلام هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می خواست یکی از اسیران مشرک را مجازات کند، جبرئیل امین دو بار بر او نازل شد و در بار نخست تقاضای تأخیر مجازات آن اسیر را کرد و در بار دوم گفت: «این اسیرت اطعام طعام می کرد و از میهمان پذیرایی می کرد و بر مشکلات صبر می کرد و بارهای مالی دیگران [مثل دیه و غرامت] را بر دوش می کشید». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ضمن ابلاغ

این مطلب به آن اسیر، او را آزاد کرد و اسیر آزاد شده با شنیدن این مطلب مسلمان شد و سوگند یاد کرد که احدی را [دست خالی] از مالش برنگرداند.

در نقلی تاریخی آمده است که زمانی امیر المؤمنین علیه السلام را اندوهگین دیدند و از علت آن جویا شدند. حضرت فرمود: «لَسَبِعِ أَتِّ لَمْ يَضِفِ إِلَيْنَا ضَيْفٌ»؛ «برای هفته ای که میهمانی برایمان نیامده است».

۲- برگزاری میهمانی در چه مناسبت هایی تأکید شده است؟ برگزاری میهمانی و پذیرایی در برخی مناسبت های خاص زندگی همچون ازدواج و تولد نوزاد، از سنت های مؤکد اسلامی است که در سیره معصومین علیه السلام نیز نمونه های متعددی از آن نقل شده است. همچنین میهمانی گرفتن در اموری همچون خرید و ساخت خانه و بازگشت از مکه و ختنه فرزند نیز وارد شده است.

۳- میهمان چگونه می تواند زمینه ساز میهمانی ساده و بی تکلفی برای میزبان باشد؟ میهمان می تواند با برخی رفتارهای خود از به تکلف افتادن میزبان پیشگیری کند. میهمان نباید متوقع باشد که برای او چنین و چنان کنند و به «ماحضر» - هر چه که موجود است - قانع باشد.

۴- پنج ادب از آداب رفتن به میهمانی را به بیان خود توضیح دهید. ۱- پرهیز از رفتن به مجالس گناه: میهمان باید از پذیرش حضور در مجالس فساد و گناه، همچون مجالس غنا، اجتناب کند و اگر ندانسته پایش به آنجا کشیده شد و قادر به تغییر مجلس نبود، آنجا را ترک کند. ۲- پذیرش دعوت مسلمان: از حقوق مسلمان بر مسلمان، پذیرش دعوت اوست؛ گرچه نیاز به پیمودن مسافت طولانی تا حد پنج میل داشته باشد. ۳- پذیرش مساوی دعوت فقرا و اغنیا: میهمان باید به نحو یکسان دعوت فقرا و اغنیا را بپذیرد و از حضور در میهمانی های ویژه اغنیا خودداری کند. ۴- پذیرش هدایت های مکانی میزبان: میهمان پس از رفتن به خانه میزبان باید در هر جا که او هدایتش می کند، بنشیند؛ چرا که او از مکان های پوشیده ی خانه اش آگاه تر است. ۵- خوب خوردن از طعام میزبان: میهمان با کنار نهادن شرم و حیای بی مورد، از غذای تدارک شده میزبان خوب بخورد.

۵- تفاوت میان وظایف و آداب در چیست؟ با توجه به آن، وظایف و آداب میهمان را از یکدیگر تفکیک کنید.

۶- وظایف و آداب میهمان را پیش از شروع میهمانی و پس از آن، به تفکیک، بیان کنید. الف) وظایف و آداب میهمان پیش از رفتن به میهمانی: پرهیز از رفتن به مجالس گناه- پذیرش دعوت مسلمان - پذیرش مساوی دعوت فقرا و اغنیا - نخوردن از غذای بی دعوت. ب) وظایف و آداب پس از رفتن به میهمانی: پذیرش هدایت های مکانی میزبان- خوب خوردن از طعام میزبان- ترک روزه مستحبی بی اجازه میزبان و بالعکس- اعتدال در مدت توقف در منزل میزبان.

۷- با مراجعه به کتب اخلاق، برخی دیگر از وظایف و آداب میهمانی را که در این درس نیامده است، گردآوری کنید. (برای مطالعه) یکی از آدابی که میهمان باید رعایت کند این است که مراعات حال میزبان را بکند و به او دستور ندهد. میهمان باید به آن چه که میزبان برای پذیرایی او تهیه می کند، قانع باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که آنچه را برادرش پیش او می نهد، خوار و بی مقدار بشمارد روز و شبش پیوسته مورد خشم خداست. مقابل دری که زنان از برابر آن گذرند ننشینند.. و ابتدا با کسانی که نزدیک او نشسته اند تحیت به جا آورد. و نباید به جایی که غذا را می آورند، زیاد نگاه کند که این کار دلیل تمایل زیاد است. میهمان برای میزبان دعا کند؛ امام صادق علیه السلام برای اهل خانه ای که میهمان آن بودند بعد از صرف غذا دعا نموده و فرمود: خدا را شکر و به صاحب غذا گفت خداوند غذایت را به افراد نیکوکار بخوراند و ملائکه مقرب به تو نیکی کنند. چون داخل خانه میزبان شد، میل به صدر نکند، بلکه به هر جا که اتفاق افتد بنشیند. به موقع حضور یابد و نباید در آمدن تاخیر کند یا قبل از آمادگی میزبان زودتر از موقع به مجلس برود. سفارش شده هرکدام از مهمانان از غذای نزدیک به خود بخورند، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اذا اکل احدکم فلیأکل ممّا یلیه» «هرگاه یکی از شما غذا خورد، باید از غذای نزدیک خود بخورد». و باید غرض او از مهمانی رفتن، شکم پرستی نباشد، بلکه غرض او اکرام برادر مؤمن خود و متابعت سنت پیغمبر- صلی الله علیه و آله- باشد. و اگر بداند که: میزبان از جمله فسّاق و یا ظلمه است، یا غرض او از ضیافت، مباحات و خود نمائی است، سزاوار آن است که: وعده ندهد. اگر غذا شبهه آمیز و یا مکان و فرش غیر حلال است و یا در آنجا خلاف شرعی انجام می گیرد، از قبیل استعمال ظروف نقره و یا مجسمه حیوانی بر سقف و یا دیوار نصب شده و یا شنیدن تار و تنبور و سرگرمی و نوعی از لهو و هرزگی و بازیچه در کار است، باید از پذیرفتن دعوت خودداری کند، زیرا همه اینها از مواردی است که مانع اجابت و استحباب آن و موجب حرمت و یا کراهت آن می شود؛ و در بسیاری از صور آن، حرام است. و ...

۸- با مراجعه به تفاسیر، مراد از خوض (فرو رفتن) در آیات الهی را بیان کنید.

درس ۲۶

۱- وظایف و آداب میزبانی را، چه پیش از برگزاری میهمانی و چه پس از شروع آن، برشمارید. الف) وظایف و آداب میزبانی پیش از میهمانی: اصلاح انگیزه پذیرایی - اجحاف نکردن به خانواده خود - دعوت از دوستان خدایی - فراخوانی فقرا در کنار اغنیا - ب) وظایف و آداب میزبانی پس از برگزاری میهمانی: ترک تکلفات زائد - کوچک نشمردن پذیرایی - اکرام میهمان و شیوه های آن.

۲- وظایف میزبان را از آداب آن تفکیک کنید.

۳- مقصود از به خدمت گرفتن میهمان چیست؟ با ذکر روایت توضیح دهید. بخشی از تکریم و احترام میهمان به این است که میزبان، او را به کاری وا ندارد و میهمانی را به فرصتی برای بهره کشی از میهمان تبدیل نکند و در قبال خدمات خود به میهمان، هیچ چشم داشتی از او نداشته باشد. امام باقر علیه السلام فرمود: «انَّ... مِنَ الْجَفَاءِ اسْتِخْدَامَ الضَّيْفِ». «همانا از جفا و ستمکاری، به کار گیری میهمان است». اهل بیت علیه السلام نه تنها میهمان را به کار نمی گرفتند، بلکه اگر خود میهمان هم می خواست کاری انجام دهد، مانع می شدند و خود به انجام دادن آن مبادرت می کردند. میهمانی نزد امام صادق علیه السلام بود که روزی برای برخی حوائج برخاست. حضرت او را از این کار بازداشت و خود به آن قیام کرد و فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اینکه میهمان به کار گرفته شود، نهی کرد».

۴- چرا نباید در بدرقه میهمان به حمل اثاث او کمک کنیم؟ زیرا این عمل می تواند حاکی از نوعی رضایتمندی از پایان یافتن میهمانی باشد.

۵- میهمان سرزده و میهمان از پیش دعوت شده در پذیرایی شدن چه تفاوتی با هم دارند؟ در پذیرایی از میهمان دعوت شده باید زحمت کشید، ولی در پذیرایی از میهمان سرزده باید به همان موجودی منزل بسنده کرد؛ در هر حال نباید پذیرایی را سبک شمرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «اذا اتاک اخوک فآتیه بما عندک و اذا دعوته فتکلف له»؛ «هرگاه برادرت ناخوانده بر تو وارد شد، آنچه را نزدت هست برایش ببر

و هرگاه دعوتش کردی، خودت را برایش به زحمت بیانداز». مراد از به تکلف انداختن در این حدیث، تکلف و زحمت در حد متعارف و در حد معمول است، نه زحمت بیش از حد و افراطی.

۶- چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وقتی با جمعی همسفره می شد، دیرتر از همه دست از غذا می کشید؟ این ادب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در همه همسفرگی های ایشان با دیگران جاری بود تا مبدا همسفرگان به سبب شرم و حیا از مقام و موقعیت پیامبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، گرسنه از سر سفره برخیزند.

۷- با توجه به مطالب این دو درس، میهمانی های امروزی را از منظر دینی آسیب شناسی کنید.

درس ۲۷

۱- چرا مشورت کردن در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است؟ با یک نمونه قرآنی و دو شاهد روایی این موضوع را اثبات کنید. در قرآن کریم، یکی از ویژگی هایی که برای مؤمنان بیان شده است، بهره گیری از مشاوره است. «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (سوره شوری/۳۸). از نکاتی که بیانگر اهمیت مشورت است، گستره افرادی است که برای مشورت گرفتن می توانند به یاری انسان بیایند. در این مورد نیز در برخی روایات تصریح شده است که در مقام مشورت، حتی از مشورت کردن با افراد کم سال تر نباید دوری کرد؛ چرا که مشورت کردن، بهره گیری از عقل جمعی است و حد و مرزی نمی شناسد. «ای فرزندانم، با بزرگ تر مشورت کن و از مشورت کردن با کوچکتر، دچار حیا نشو». در اهمیت مشورت همین بس که در برخی روایات، از آن به عنوان بهترین پشتیبان یاد شده است. امام علی علیه السلام فرمود: «پشتوانه ای محکم تر از مشورت کردن نیست».

۲- چهار مورد از آثار مشاوره را با ذکر مثال تشریح کنید. ۱- بهره گیری از ظرفیت های علمی و عقلی دیگران، ۲- در امان ماندن از پشیمانی، ۳- زمینه ساز ظهور خیر و برکت زمین، ۴- مشاوره زمینه ساز بصیرت و یقین، ۵- در امان ماندن از ملامت.

۳- با توجه به آثار مشاوره، با همفکری دیگر دوستانتان تحلیل کنید انسانی که از مشورت دیگران بهره می گیرد، شخصیت اجتماعی خود را چگونه شکل می دهد؟

۵- چهار مورد از شرایط مشاور شایسته مشورت را بگویید و درباره هر ویژگی، اندکی توضیح دهید. ۱- خدا ترس بودن: یک مشاور خداترس هیچ گاه به نافرمانی خداوند تشویق و ترغیب نمی کند و از این جهت نیز مشورت با چنین فردی موجب می شود که مشورت گیرنده، از لحاظ محتوای مشاوره، از بسیاری از آسیب های دینی و عملی در امان باشد. ۲- دوست و رازدار بودن مشاور: وجود حس دوستی در مشاور، زمینه ساز اهتمام هرچه بیشتر وی به حل مشکل مراجعه کننده، و خودداری نکردن او از ارائه راه حل مناسب است. ۳- عاقل بودن: به هر اندازه که مشاور، عقلانیت بیشتری داشته باشد، بهه همان اندازه، صلاحیت بیشتری برای مشورت خواهد داشت. ۴- آگاه به موضوع مورد مشورت: این مسئله، از کاربردی ترین خصوصیات لازم در زمانه ماست؛ زیرا اغلب موضوعات، شکل تخصصی به خود گرفته و بیش از همه، عرصه تعلیم و تربیت، به دانشی تخصصی و بسیار پیچیده تبدیل شده است.

۷- به نظر شما آیا وجود برخی رذایل اخلاقی می تواند درک و فهم مشاور از موضوع را تغییر دهد؟ و آیا این خصوصیت به مشاوره آسیب فراوانی می زند؟ وجود برخی از رذائل اخلاقی در مشاور می تواند بسترساز ناکامی و انحراف در مشورت دادن باشد. زیرا نظر هر فرد از روحیه و عادت درونی اش سرچشمه می گیرد. وقتی به مشاوره که رذایل اخلاقی دارد مراجعه کنیم ناگزیر، آن رذیله در نظری که می خواهد بدهد اثر دارد به همین علت از مشورت با چنین افرادی نهی شده است. برای نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «ای علی، با ترسو مشورت مکن؛ زیرا راه حل مشکل را بر تو تنگ می کند، و با بخیل مشورت مکن؛ زیرا تو را از هدف باز می دارد، و با حریص مشورت مکن؛ زیرا آزمندی را در نظرت زینت می دهد».

درس ۲۸

۱- چارچوب آداب دوستی را، طراحی کنید. اخلاق و آدابی که برای دوستی ذکر می شود، بر دو دسته است: برخی از این آداب، عام است و در همه روابط اجتماعی اسلامی، از جمله در روابط دوستانه، جاری می شود. بنابراین آنچه درباره بحث اخوت اسلامی و حقوق آن در کتب حدیث و اخلاق آمده است، به گونه ای در ذیل عنوان دوستی نیز می گنجد. دسته دوم اخلاق و آداب دوستی، مواردی است که به دوستی اختصاص دارد یا در این بحث تأکید بیشتری بر آن شده است.

۲- اقسام دوستان را تبیین کنید. طبق بیان امیرالمؤمنین علیه السلام، دوستان به دو صنف «اخوان الثقه» (برادران قابل اعتماد) و «اخوان المکاشره» (برادران شادی و خنده) قابل تقسیم اند.

۳- اهمیت و کارکردهای دوستی را توضیح دهید. از منظر قرآن و اهل بیت علیه السلام دوستی کارکردهای مهم و متعددی دارد که یکی از آنها، تأمین نیاز انسان به معاشرت و انس با دیگران است تا او را از تنهایی و غربت درآورد. از سوی دیگر دوستی در زمینه پیشرفت مادی و معنوی انسان، اعم از پیشرفت علمی، عبادی، و اخلاقی، می تواند تأثیر شگرفی بگذارد؛ همچنان که می تواند به سقوط و انحطاط مادی و معنوی او بیانجامد و این، به انتخاب دوستان صالح و شایسته و برنامه ریزی او در پیشبرد دوستی ها بستگی دارد. از جنبه روان شناختی نیز انسان چنین است که با دوستش سنجیده می شود و اگر دوستش بد باشد، مردم به بدی او حکم می کنند و اگر دوستش خوب باشد، به خوبی او حکم می کنند. آثار و پیامدهای دوستی همواره همراه انسان است و تا هنگام مرگ و انتقال از عالم دنیا به عالم برزخ نیز ادامه می یابد. این تأثیر دوستی نه تنها هنگام مرگ، بلکه روز رستاخیز هم نمایان می شود.

۴- وظایف و آداب دوستی را بیان کنید. اعتدال در محبت و اعتماد- کمک به رفع عیوب یکدیگر- ابراز زبانی دوستی- زیارت و عیادت- ترک قهر کردن بیش از سه روز- دعا کردن در حق دوست.

۵- ویژگی های دوست مناسب و راه های شناخت آن را فهرست وار بیان کنید. ویژگی های دوست مناسب: ۱- اهل صلاح و طاعت خدا باشد و انسان را بر طاعت خدا یاری کند؛ چرا که تنهایی از دوست بد بهتر است. ۲- خردمند باشد تا انسان از عقلش بهره مند شود. ۳- دانشمند باشد تا انسان در پرتو مصاحبت با او از علمش بهره مند شود. ۴- رازدار و کمک کار انسان در بدبختی ها و حتی هنگام وفات انسان باشد. راه های شناخت دوست خوب: ۱- آزمودن در هنگام سختی ها ۲- آزمودن از طریق قدرت و ثروت. ۳- آزمودن در سفر. ۴- آزمودن در هنگام خشم. ۵- قدمت دوستی که انسان را برای شناخت دوستان خوب از بد کمک می کند.

۶- در لسان روایات از واژه هایی همچون خلیل نیز برای دوست استفاده شده است. با مراجعه به معجم های لغوی، معنای آن را به دست آورید و مقایسه ای میان الفاظ مختلف دوستی در زبان عربی ترتیب دهید.

۸- روایاتی را که در بخش معیارهای گزینش دوست آمده است، به همراه ترجمه آنها استخراج کنید.